

رها سعادت

مربی و پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه و مرکز تحقیقات راهبردی هنر

### چکیده:

محراب محل پرستش و نیایش است. نخستین محراب‌ها متعلق به آیین مهر هستند که به شکل نیم‌گنبد ساخته می‌شدند و در دو طرف آن نمادهای طلوع و غروب قرار داشت، که از آن محل، برای نیایش و عبادت استفاده می‌کردند. نقش‌مایه محرابی نیز نشان از محراب و نمادی از جایگاهی مقدس دارد. این نقش‌مایه به شکل‌ها و فرم‌های گوناگون در هنرهای مختلف این سرزمین بکار رفته و می‌توان جلوه آن را در تمام هنرها به وضوح به تماشا نشست؛ در آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی نیز فرم محرابی به صورت گسترده و در قسمت‌های مختلف این مکان به‌ویژه در تالار چینی‌خانه با شیوه‌های متفاوت اجرا شده است. در این مقاله، نقوش محرابی بکار رفته در آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، استفاده بسیار از فرم محرابی، نشان از تقدس و جایگاه ویژه این مکان برای دولت‌مردان صفوی و تفکرات آنهاست.

**واژگان کلیدی:** نقش‌مایه، محرابی، آرامگاه سید صفی‌الدین اردبیلی.

### مقدمه:

محراب محل پرستش، نیایش و خانه مهر است و نخستین محراب‌ها متعلق به آیین مهر هستند که به شکل کنه-پوش (نیم‌گنبدی) ساخته می‌شدند و در دو طرف آن نمادهای طلوع و غروب قرار داشت (حصوری، 1381، ص 55). نقش‌مایه محرابی نیز نمادی از محراب و نشان از جایگاهی مقدس دارد. این نقش‌مایه به شکل‌ها و فرم‌های گوناگون در هنرهای مختلف این سرزمین بکار رفته است. در آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی و بخصوص در تالار چینی‌خانه نیز این نقش‌مایه به شیوه تنگبری<sup>1</sup> و بسیار گسترده و متنوع اجرا شده است.

این پژوهش، پس از بررسی واژه محراب و ریشه آن در ادبیات فارسی و قرآن و پیشینه و معماری آن، نقوش محرابی بکار رفته در آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی را مورد مطالعه قرار داده، به تحلیل آنها می‌پردازد. نتایج این تحقیق آمیزه‌ای از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است. با توجه به مطالعات صورت گرفته، استفاده بسیار از این نقش، نشان از تقدس این مکان و جایگاه ویژه آن برای دولت‌مردان صفوی و نمودی از تفکرات آنهاست.

### واژه محراب:

محراب کلمه عربی به معنای بالاخانه و صدر مجلس است و محراب مسجد محل ایستادن پیش‌نماز و قبله است (معین، 1382، ص 2779). این واژه صیغه مبالغه از حرب بر وزن مفعال مانند مکتار و به معنی مرد جنگاور و شجاع است. پس محراب یعنی جنگگاه و به معنی مرد بسیار جنگاور و دلیر که به صورت مبالغه نیز بکار می‌رود.

همچنین به معنی بهترین جای خانه، غرفه و بلندترین اتاق یک ساختمان و یا بلندترین قسمت آن و بلندترین جای‌ها در معبد‌ها که مجسمه‌های مورد پرستش را در آنجا قرار می‌داده‌اند و جایگاه شیر و مقصوره و محلی که سلطان یا هر شخص دیگر در آنجا تنها و دور از دیگران بنشیند می‌باشد (تفضل، 1382، ص 131).

### واژه محراب در ادبیات فارسی:

محراب در کتاب‌های لغت فارسی به همان معانی و املا (محراب) کتب لغت عربی آورده شده اما ریشه‌های اصلی آن را در برخی از کلمات و اصطلاحات از جمله در ترجمه محراب جمشید و پسوند‌های آوه و آبه بخصوص در مفهوم اسم‌های مرکب با این پسوندها می‌توان یافت. واژه مهراب را (با هاء هوز و املا اصلی آن) رونق آفتاب و مرکب از مهر (در معنی خورشید) و آب را به معنی رونق و شکوه ترجمه کرده‌اند، پسوند آب نیز به تنهایی به معنی رونق است. زمانی واژه محراب با املا صحیح و فارسی آن بکار می‌رفته و شاید ترکیب محراب جمشید نیز بعد از اسلام و تحت تاثیر استعمال محراب در قرآن کریم با املا عربی بکار رفته و املا صحیح آن مهراب جمشید بوده است.

از کلمات مرکب با پسوند‌های آب، آبه و آوه جز واژه‌های معدودی همانند: افراسیاب، سهراب، گوراب، مهراب، سرداب، گرماب، گورابه، سردابه، گرمابه و سودابه باقی نمانده است و این کلمات بحدی مهجوراند که تشخیص ریشه و ترکیب اصلی آنها چندان آسان نیست. پسوند آوه به تنهایی به معنی کوره و داش خشت‌پزی و برآورنده صدا و ندا و زنجیره که نقاشان و دوزندگان بر کنار چیز ترسیم می‌کنند و بدوزند آمده است (سید یونسی، 1343، ص 443). در کلمات سردابه و گرمابه و سودابه و ..... پسوند آخر کلمه هیچ ربطی به لفظ آب ندارد. سرداب و سردابه در لغت به معنی خانه زیر زمینی است، فقط درباره گرمابه به معنی حمام، مرکب از: گرم+آب+ه (پسوند مکان) است اما این تفسیر در مورد کلمات دیگر بخصوص سردابه صدق نمی‌کند؛ بعلاوه گاهی در متون قدیمی با این واژه برمی‌خوریم که در مطابقت آن با این اتیمولوژی (جای آب‌گرم) جای تردید است و فقط در مفهوم جای‌گرم و گرم‌خانه آمده است چنانکه سرداب به معنی جای سرد و سردخانه است. واژه مهراب نیز که به معنی رونق آفتاب آمده شایان توجه است و با توجه به قرابت خورشید و مهر و اینکه در فارسی دری این دو لفظ را در بسیاری از مواقع به یک معنی بکار می‌برند و نیز تصریحی که لغت نویسان از این واژه آورده‌اند روشن می‌کند که این لفظ مربوط به مهر و یک لفظ مهری است. در مهریشت آمده است که مهر ورز او، گاو مقدس را در غاری قربانی کرد و این اولین قربانی در آیین مهر بود، مهریان نیز برای اینکه ستایش‌شان مقدس و همانند کار خود مهر باشد معابد خود را در غارها می‌ساختند و چشمه آبی در آنجا احداث می‌نمودند زیرا آب در آیین مهری از لوازم ضروری ستایش بود و هر شخص می‌بایست قبل از ستایش، شست و شو می‌کرد.

### واژه محراب در قرآن:

واژه محراب در قرآن به معنای عبادت و محل عبادت بکار رفته است و به ادیان پیش از اسلام مربوط می‌شود. این واژه چهار بار و در سوره‌های (آل عمران)، (مریم) و (ص) بکار رفته و یک بار نیز به صورت محاریب در سوره (سبا) مورد استفاده قرار گرفته است.

1. کلمه محراب در آیه 37 سوره آل عمران و مورد حضرت مریم استفاده شده است.

فتقبلها ربها بقبول حسن و انبتها نباتا حسنا و كفلهما زكريا كلما دخل عليها زكريا المحراب وجد عندها رزقا قال يا مريم انى لك هذا قالت هو من عند الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب (37)

پس او را خداوند به نيكویی پذيرفت و او را به تربيتی نيكو پرورش داد و زكريا را برای كفالت و نگهداری او برگماشت و هر وقت زكريا به صومعه عبادت مريم می آمد رزق شگفت آوری می یافت می گفت که ای مريم اين روزی از کجا برای تو می رسد پاسخ می داد که اين از جانب خداست که همانا خدا بی سبب به هر کس خواهد روزی بی حساب می دهد (37)

2. در آیه 39 سورة آل عمران نیز این واژه بیانگر نیایش حضرت زکریا است.

فنادته الملائکه و هو قائم یصلی فر المحراب ان الله یشکرک بیحیی مصدقا بکلمه من الله و سیدا و حصورا و نبیا من الصالحین (39)

پس زکریا را فرشتگان ندا کردند هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده که همانا خداوند تو را به ولادت یحیی بشارت می دهد در حالی که او به نبوت عیسی کلمه خدا گواهی می دهد و او خود در راه خدا پیشوا و پارسا و پیغمبری از شایستگان است (39)

3. در آیه 11 سورة مريم و در مورد اجابت دعای حضرت زکریا این واژه بکار رفته است.

فخرج علی قومه من المحراب فاوحی الیهم ان سبحوا بکره و عشیا (11)

پس ما به زکریا در آنجایی که از محراب عبادت بر قومش بیرون آمد وحی کردیم که همه صبح و شام به تسبیح و نماز قیام کنید (و خدا را از شرک و شریک پاک و منزّه خوانید) (11)

4. این کلمه در سورة ص و آیه 21 در شرح حال حضرت داود نیز استفاده شده است.

و هل انتک نبوا الخصم اذ تسورو المحراب (21)

و ای رسول آیا حکایت آن دو خصم به تو رسیده است که از بالای غرفه عبادتگاه (داود) بر او وارد شدند (21)

و همچنین در آیه 13 سورة سبا نیز جمع محراب (محاریب) در مورد بنای بیت المقدس در عهد حضرت سلیمان بن داود بکار رفته است.

یعلمون له ما یشاء من محاریب و تمثیل و جفان کالجواب و قدور راسیت اعملواء ال داود شکرا و قلیل من عبادی الشکور (13)

آن دیوان بر او و هر چه می خواست از کاخ و عمارت و معابد عالی و نقوش و تمثالها و ظروف بزرگ مانند حوضها و دیگهای عظیم که بر زمین کار گذاشته اند! همه را می ساختند! اینک ای آل داود شما شکر و ستایش خدا به جای آرید و (هر چند) از بندگان من عده قلیلی شکر گزارند (13)

### پیشینه محراب:

شکل محراب و مفهوم مذهبی آن در بیشتر مذاهب رواج داشته است. برخی ریشه اصلی محراب را در آیین میتراییسم می دانند. در واقع در تمامی مناسک و مذاهب، آداب و آیینهای خاص برای بجا آوردن فرایض دینی وجود دارد؛ که مکان نیز از جمله عواملی است که در صدر اولویت های این آداب قرار می گیرد. در آیین میترایست، ستایش مهر در غارهای طبیعی انجام می گرفته است و نزدیک غار می بایست رودخانه ای جریان داشته باشد. گاهی اوقات که

مقتضیات مکانی، اجازه برپا ساختن معبر را که می‌بایست طبق گفته زرتشت در غاری طبیعی باشد نمی‌داد، پرستشگاهی مصنوعی می‌ساختند و دقت می‌شد که نمازخانه به شکل غار باشد. غار نشانه گنبد آسمان است و به همین علت پرستشگاه معمولاً محدب و مزین به ستاره است. در کلیساهای مسیحی نیز مکانی به نام محراب برای تعظیم به درگاه الهی و راز و نیاز با او وجود دارد. اما ساخت محراب از قرن دوم هجری یعنی اواخر دوران بنی‌امیه در مساجد اسلامی رایج می‌شود (ورمازرن، 1375، ص 45).

### معماری محراب:

محراب رو به قبله و اغلب در ضلع جنوبی مساجد ساخته می‌شود و دارای دو قسمت افقی و عمودی است. ساختمان آن معمولاً با خالی نمودن فضایی مستطیل شکل از دیوار و گود کردن قسمتی از زمین در پای دیوار ایجاد می‌شود در واقع شکل کلی آن به صورت تاق‌نمایی فرو رفته در دیوار قبله مساجد و در میان آن قوسی تیزه‌دار یا مازه-دار تعبیه می‌شود، سپس به بهترین نوع تزیین می‌گردد. در واقع محراب‌ها اجزایی از عناصر معماری مساجد هستند که به بهترین و زیباترین شکل مزین گشته و با نقوش مختلف هندسی، گیاهی و آیاتی از قرآن به عنوان کتیبه در میان آنها آرایش شده‌اند. هنگامی که محراب به عنوان یک نماد عبادت ابداع شد، موفقیت قابل ملاحظه‌ای یافته، توجه همگان را به خود جلب نمود. محراب‌ها در ابتدا دارای فرم ساده‌ای بودند و به مرور زمان ظهور یافتند، با این وجود همه محراب‌ها دارای خصوصیات مشابهی همانند پهنا، سطوح مقعر و گنبدی شکل و تورفتگی میان دیوار هستند. اما میزان طول و عرض و فرورفتگی در دوران گوناگون و مکان‌های مختلف و نیز بسته به کاربرهای گوناگون با یکدیگر متفاوت می‌باشد.

محراب‌ها دارای تزیینات گوناگونی هستند به گونه‌ای که هنر گچ‌بری و کاشی‌کاری در محراب‌ها به بهترین وجه پدیدار گشته است و محراب مزین‌ترین قسمت مسجد شده و تزیینات آن در تمامی قسمت‌های دیواری که آن را در برمی‌گیرد گسترش یافته است. بر اساس مصالح بکار رفته در محراب‌ها می‌توان آنها را در پنج گروه تقسیم بندی کرد (جدول 1) (رمضانی، 1384، ص 15):

جدول (1) مصالح بکار رفته در محراب‌ها				
گچ	چوب	آجر	سنگ	کاشی

1. محراب‌های گچی: ساخت محراب‌های گچی تقریباً از قرن دوم هجری آغاز و تا حمله مغول و بعد از آن نیز همچنان روند ساخت آن ادامه پیدا کرد. نمونه‌های آن را می‌توان در مسجد عتیق شیراز و محراب‌های گچ‌بری مساجد بسطام، مرند و ساوه نام برد.

2. محراب‌های چوبی: یک نمونه از محراب‌های چوبی از سال 477 هجری باقی مانده است و نمونه دیگری وجود ندارد. علت عدم استفاده از چوب، عدم سازگاری آن با آب و هوا و همچنین وجود موریانه است که باعث تخریب زود هنگام چوب می‌شود.

3. محراب‌های آجری: محراب‌های آجری از اواخر قرن پنجم تا اواسط قرن ششم ساخته شده‌اند و از نمونه‌های آن می‌توان محراب مساجد برسیان و زواره را برشمرد.

4. محراب‌های کاشی: در اوایل قرن ششم هجری از کاشی برای تزیین محراب‌های آجری استفاده گردید اما شروع ساختن محراب‌های کاشی از قرن هفتم هجری (612 ه.ق) قبل از حمله مغول بود. از مشهورترین محراب‌های کاشی-کاری سه محراب در آرامگاه حضرت رضا (ع) در مشهد می‌باشد. از نخستین کاری‌های محراب می‌توان محراب مسجد میدان کاشان (632 هجری قمری) و همچنین محراب امامزاده یحیی در ورامین و کاشی موزاییک مسجد جامع اصفهان و یزد را نام برد.

5. محراب‌های سنگی: در دوره‌های ایلخانی، تیموری و صفوی از سنگ در محراب سازی استفاده می‌شد. گاهی از سنگ‌های یک‌تکه (محراب مسجد میمه اصفهان) برای ساخت محراب استفاده می‌کردند و گاهی نیز محراب‌ها با کنار هم گذاردن قطعات کوچک سنگ کنار هم شکل می‌گرفت. به علت سختی کار بر روی سنگ تعداد محراب‌های سنگی کمتر از محراب‌های گچی، آجری و کاشی‌کاری است.

در میان محراب‌ها به انواعی از سنگ قبرها نیز عنوان محراب داده‌اند. مصالح مورد استفاده در این سنگ قبرها کاشی، گچ و سنگ است که معمولاً آنها را در داخل بناهای مذهبی قرار می‌دادند. سنگ قبرها با شکل و طرح محراب از اوایل اسلام مورد استفاده قرار می‌گرفته و از نمونه‌های اولیه آن، سنگ قبری واقع در جامع العمریه موصل است که تاریخ آن بین سالهای 180 هجری قمری تا 185 هجری قمری ذکر شده است و قدیمی‌ترین نمونه ایرانی که مربوط به قرن دهم میلادی است سنگ قبری است که در موزه متروپولیتن وجود دارد و دارای کتیبه کوفی برجسته می‌باشد (آبیار، 1384، ص 214).

### نقش‌مایه محرابی در آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی

شکل‌های متنوع و بی‌نظیری از فرم محرابی در آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی وجود دارد که از همان بدو ورود قابل مشاهده هستند. در ورودی این مجموعه دارای فرم محرابی است که توسط فرم محرابی دیگر که کاشی‌کاری شده احاطه گردیده و آن نیز، با فرم محرابی آجری در میان گرفته شده است (عکس 1).



عکس 1، فرم محرابی، در ورودی آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی (نگارنده)

در دیوارهای حیاط باغچه، فرم محرابی به صورت تاق‌نما و شکل‌های یکسان و با آجر ساخته شده‌اند و هیچ‌گونه تزیینی ندارند (عکس 2). در طاق‌نمایی که در دیوار قسمت ورودی قرار دارند پنجره‌هایی با فرم محراب که از چوب ساخته شده، وجود دارد (عکس 3).



عکس 2، فرم‌های محرابی، حیاط باغچه آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی (نگارنده)



عکس 3، فرم محرابی، پنجره‌ها، حیاط باغچه آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی (نگارنده)  
ورودی حیاط باغچه به حیاط کوچک نیز دری گچ‌پری به شکل محرابی است (عکس 4).



عکس 4، فرم محرابی، در ورودی حیاط باغچه به حیاط کوچک  
(نگارنده)

در حیاط کوچک فرم محرابی به صورت ایوانچه‌ها و با آجر ساخته شده، برخی از ایوانچه‌ها دارای تزیینات گچ‌بری و کاشی‌کاری هستند (عکس 5).



عکس 5، فرم محرابی، ایوانچه حیاط کوچک (نگارنده)

فرم‌های محرابی بکار رفته در حیاط بزرگ دارای تزیینات کاشی هستند که به صورت معرق اجرا شده‌اند (عکس 6).

عکس 6، فرم‌های محرابی، حیاط بزرگ (نگارنده)





برای ورود به تالار قندیل‌خانه از سر در بسیار بزرگی به فرم محرابی باید عبور کرد که با کاشی معرق اجرا شده است (عکس 7).



عکس 7، فرم محرابی، ورودی قندیل‌خانه (نگارنده)

در داخل قندیل‌خانه نیز شاهد فرم‌های مختلف محرابی هستیم که هم به صورت طاق‌نما و هم به صورت ایوانچه ساخته شده و با لایه چینی و طلااندازی<sup>2</sup> تزئین گشته‌اند (عکس 8).

عکس 8، فرم محرابی، تالار قندیل‌خانه (نگارنده)



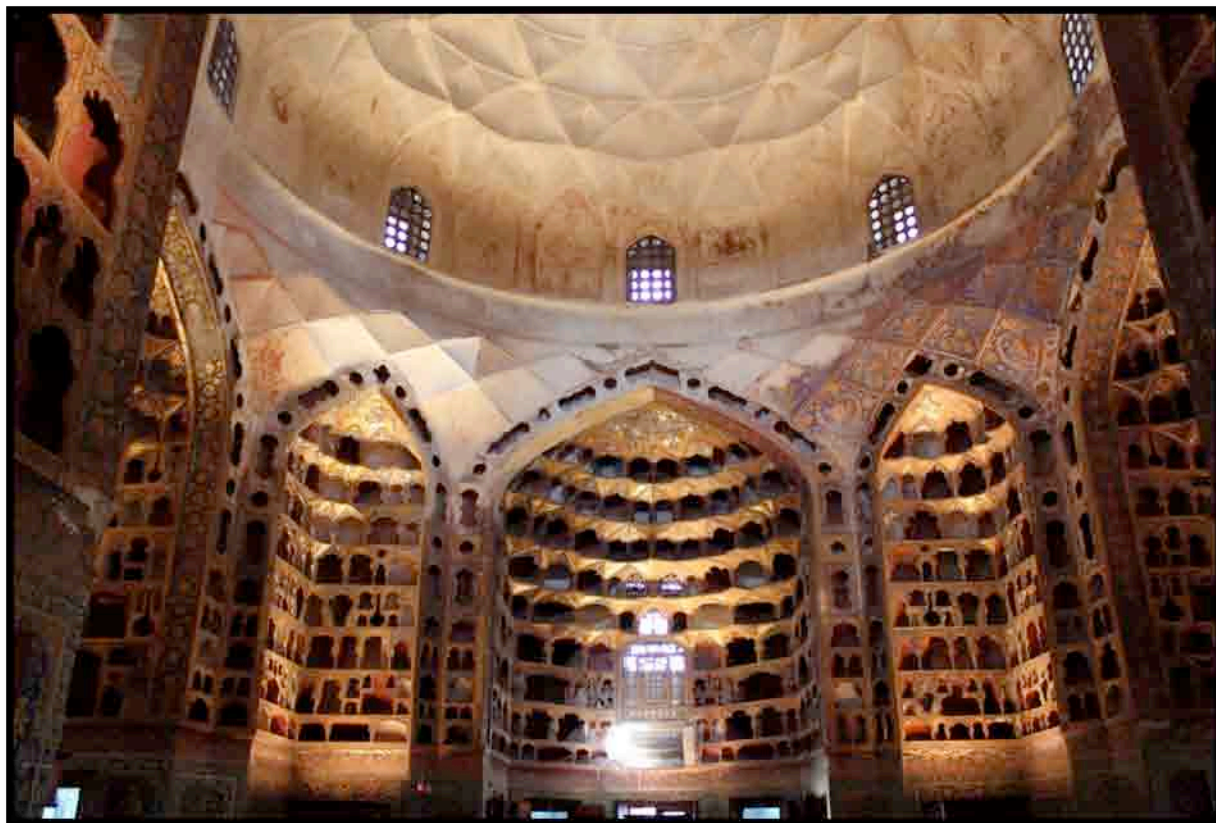
در داخل گنبد الله الله و گرداگرد آن فرم محرابی به صورت طاق نما دیده می‌شود و آذین بکار رفته در آن گچ‌بری پته<sup>3</sup> است (عکس 9).



عکس 9، فرم محرابی، داخل گنبد الله الله (نگارنده)

چینی‌خانه، مکانی که بیشترین فرم محرابی را در یک مکان می‌توان دید. در این مکان چهار تاق‌نمای بزرگ و چهار تاق‌نمای کوچک به فرم محرابی وجود دارد که در داخل آنها نیز نقوش محرابی با تنوع کم‌نظیری و با استفاده از تکنیک تنگبری در نهایت دقت و ظرافت اجرا شده‌اند (عکس 10). افزون بر تنگبری، در جبهه‌های شمالی، جنوبی و غربی تنگبری‌های کتیبه‌ای وجود دارد. چهار کتیبه «یا علی» به صورت متقارن در ردیف چهارم کنه‌پوش شمالی وجود دارد که در قسمت فوقانی آن‌ها کلمات الله و محمد نوشته شده است. در ردیف چهارم کنه‌پوش جبهه جنوبی نیز چهار کتیبه «یا علی» به صورت متقارن کار شده و در سومین ردیف جبهه غربی کتیبه یا شاه‌صفی ساخته شده است. صفویان نسب خود را به حضرت علی (ع) نسبت می‌دادند (فلسفی، 1364، ص 17) و کتیبه «یا علی» که در این مکان هشت بار بکار رفته نشان از اعتقاد و باوری است که دولت‌مردان صفوی نسبت این موضوع داشتند و از هر موقعیتی برای تاکید بر آن استفاده می‌کردند؛ مخصوصاً در شهر اردبیل که نزدیک امپراتوری عثمانی است، در راستای گسترش مذهب شیعه جنبه‌ای دیگر را خاطر نشان می‌سازد. از میان شاهان صفوی، شاه عباس آرامگاه جد بزرگ خود سیدصفی را مانند مکان مقدس بسیار محترم می‌داشت و زیارت آنجا را هر چند سال یکبار بر خود واجب می‌شمرد مخصوصاً در سال‌هایی که با دولت عثمانی در آذربایجان و ارمنستان و گرجستان در نبرد بود، مکرر به اردبیل می‌رفت و در مزار

شیخ صفی با گریه و استغاثه از او می‌خواست که او را بر دشمن پیروز کند و ایرانیان را از شکست و زبونی برکنار دارد (گلمغانی زاده و یوسفی، 1384، ص 207).



عکس 10، فرم‌های محرابی تالار چینی‌خانه (نگارنده)

فرم‌های محرابی آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی به شیوه‌های متفاوت اجرا شده‌اند: در محوطه‌های بیرونی، تاق-نماها با آجر، کاشی، گچ و گره‌چینی ساخته شده‌اند و در فضاهای داخلی نیز از شیوه‌های متنوع گچ‌بری استفاده شده است (جدول 2).

جدول (2) شیوه اجرای فرم‌های محرابی در آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی

آجرکاری	کاشی‌کاری	گچ‌بری	گره‌چینی
---------	-----------	--------	----------

در اجرای فرم محرابی از شیوه‌های گوناگون گچ‌بری استفاده شده است. در چینی‌خانه فرم‌های محرابی با تکنیک تنگ-بری، در داخل مقبره سیدصفی به شیوه گچ‌بری پته و در قندیل‌خانه با روش لایه‌چینی و طلااندازی اجرا شده‌اند (جدول 3).

### جدول (3) تکنیک‌های مختلف گچ‌بری فرم‌های محرابی در آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی

گچ‌بری پته	تنگ‌بری	لایه‌چینی و طلااندازی
------------	---------	-----------------------

مصالح و مواد متفاوت همچون گچ، آجر، کاشی، چوب، طلا، رنگ و کرباس در اجرای فرم‌های محرابی استفاده شده است (جدول 4).

### جدول (4) مصالح بکار رفته در اجرای فرم‌های محرابی آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی

گچ	آجر	کاشی	چوب	طلا	رنگ	کرباس
----	-----	------	-----	-----	-----	-------

#### نتیجه‌گیری:

فرم محرابی در قسمت‌های مختلف آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی ساخته شده است. این فرم‌ها با تکنیک‌های: آجرکاری، کاشی‌کاری، گره‌چینی، گچ‌بری (تنگ‌بری، پته، لایه‌چینی و طلا اندازی) اجرا شده‌اند. بر اساس مشاهدات، فرم‌های بسیار متنوع و متعددی از فرم محرابی در این مکان وجود دارد به ویژه در تالار چینی‌خانه که این فرم‌ها به شیوه تنگ‌بری و در نهایت دقت و ظرافت اجرا شده‌اند. با توجه به آنچه از ریشه محراب و جایگاه مقدسی که این مکان دارد عنوان شد می‌توان نتیجه گرفت با وجود این که آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی، مسجد نیست که دارای محراب باشد ولی استفاده بیشمار از فرم محرابی در این مکان حالتی از تقدس را به وجود آورده است و می‌توان این مکان را که جایگاه مخصوصی در میان دولت‌مردان صفوی داشته یکی از آثاری دانست که بیانگر تفکرات دولت صفوی است.

#### پیوست‌ها:

1. تنگ‌بری: در این شیوه بعد از تقسیم بندی فضایی که دارای عمق است و پوشاندن آن توسط تخته گچی با ضخامت کم، طرح را کرده سپس سطح گچ را بر اساس طرح، با ابزار مخصوص می‌برند. نمونه‌های این نوع گچ‌بری در تالار چینی‌خانه آرامگاه سیدصفی‌الدین در اردبیل، اتاق موسیقی کاخ عالی‌قاپو، هشت‌بهشت و برخی خانه‌های دوران صفویه در اصفهان دیده می‌شود (برای مطالعه بیشتر می‌توان به «تزیینات تنگ‌بری آرامگاه سیدصفی‌الدین اردبیلی و مقایسه آن با تنگ‌بری بناهای اصفهان»، سعادت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان مراجعه کرد).

2. لایه‌چینی و طلااندازی: همان‌گونه که از نام آن پیداست، لایه کلمه الحاقی است، یعنی اضافه کردن و چیدن لایه‌های چسبنده بر روی طرحی را گویند که پس از انجام کلیه امور مربوط به زیر کاری و استخوان‌بندی و گچ‌اندازی و آماده کردن محل کار و خشک شدن محل کار توسط استاد نقاش، روغن بزرک و روغن جلا به سطح کار زده و سپس محل کار را دو دست بتونه نموده و بعد از خشک شدن محل‌های اضافی را با سمپاده کاملاً صاف و صیقلی کرده و دو دست رنگ روغنی مات بر سطح مورد نظر می‌زنند. بعد از آماده شدن و خشک شدن طرح مورد نظر طرح آماده شده را در محل کار چرمه می‌کنند و سپس لایه آماده شده را با قلم بر طرح لایه گذاری می‌کنند.

3. گچ‌بری پته: این نوع گچ‌بری بر روی کرباس آهاردار انجام می‌گیرد، به این صورت که گچ کشته، خاک اره و سریش را مخلوط کرده روی پارچه می‌ریزند و نقش‌های مورد نظر را روی آن پیاده کرده آن‌گاه در محل مورد نظر با میخ نصب می‌کنند. سر میخ‌ها را نیز به

شکل‌های گوناگون مخروطی و ... در می‌آورند که حالت تزئینی پیدا کند. سابقه گچبری پته به قرن هشتم هجری می‌رسد و قبل از این دوره مدرکی به دست نیامده است (پیرنیا، 1381، ص 154). قسمتی از گچبری‌های گنبد مقبره سلطان محمدخدا بنده در سلطانیه و بقعه میر شمس‌الدین یزد به این شیوه است.

## فهرست منابع:

1. قرآن مجید، 1384، ترجمه الهی قمشه‌ای، قم، آیین دانش.
2. آبیاری، منصور، (1384)، بررسی کتیبه‌های محراب‌های سنگی در موزه ملی، مجله اثر، شماره 38 و 39: 213-225.
3. پیرنیا، محمد کریم، (1381)، مصالح ساختمانی (آزند، اندود، آمود)، پژوهشگاه میراث فرهنگی، تهران.
4. تفضل، عباسعلی، (1382)، قبله نمای مسجد، محراب، نشریه دانشکده الهیات مشهد. شماره 35 و 36: 129-144.
5. حصوری، علی، (1381)، میانی طراحی سنتی در ایران، تهران، نشر چشمه.
6. رضایی، وحیده، (1384)، بررسی وضعیت معماری در ایران با تاکید بر مفهوم و کاربری بناها، مجله تاریخ پژوهی، سال هفتم، شماره 24 و 25: 13-43.
7. سعادت، رها، (1390)، تزئینات تنگبری آرامگاه شیخ‌صافی‌الدین اردبیلی و مقایسه آن با تنگبری بناهای اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان.
8. سید یونسی، میر ودود، (1343)، محراب یا مهرباب، نشریه دانشکده ادبیات تبریز. سال شانزدهم. شماره زمستان: 423-450.
9. فلسفی، نصرالله، (1364)، زندگانی شاه عباس اول، جلد 3، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
10. گل‌مغانی‌زاده اصل، ملکه و حسن یوسفی، (1384)، باستان‌شناسی و تاریخ هنر بقعه شیخ‌صافی‌الدین اردبیلی، اردبیل، انتشارات نیک آموز.
11. معین، محمد، (1382)، فرهنگ فارسی، جلد سوم، تهران، نشر بهزاد.
12. ورمازرن، مارتن یوزف، (1375)، آیین میترای، ترجمه بزرگ نادر زاده، تهران، نشر چشمه.